

۲ گفتار

تراکمپ، ایران را نمی‌شناسد
سیدحسین مرعشی

۳ افق

پرچم آمریکا در گرینلند!
انتشار تصویری با هوش مصنوعی توسط ترامپ

۷ کوچه

پوشه‌های رنگین‌گمانی!
ادعای نرجس سلیمانی درباره تخلفات همشهری

یک دروغ کثیف

بیانیه دفتر محمدجواد ظریف در واکنش
به ادعای بازداشت او و حسن روحانی

۲ ایران



یادداشت روز

حق اعتراض در عرصه اجرا

چرا با وجود تصریح قانون اساسی، اعتراض
مسالمت‌آمیز همچنان با محدودیت روبه‌روست؟

صالح نقره‌کار

حقوقدان



اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از صریح‌ترین اصول ناظر بر حقوق شهروندی است؛ اصلی که به‌روشنی حق تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز را به رسمیت می‌شناسد، مشروط بر آنکه محل مبانی اسلام و نظم عمومی نباشد. بسا این حال، فاصله میان «نص قانون» و «واقعیت اجرا» در موضوع حق اعتراض همچنان یکی از چالش‌های جدی حکمرانی در ایران است؛ چالشی که نه صرفاً حقوقی بلکه سیاسی، امنیتی و اجتماعی است. واقعیت این است که چند عامل هم‌زمان در محدود شدن اجرای عملی اصل ۲۷ نقش دارند. مهم‌ترین عامل، نگرانی نهادهای حاکمیتی از تهدید امنیت ملی و برهم خوردن نظم عمومی است. در شرایطی که اعتراضات می‌توانند به سرعت گسترده شوند یا به خشونت و تخریب اموال عمومی کشیده شوند، رویکرد غالب، رویکرد پیشگیرانه و محدودکننده بوده است. تجربه‌های تلخ گذشته، از سوءاستفاده برخی جریان‌ها از اعتراضات گرفته تا ورود بازیگران خارجی و گروه‌های افراطی، حساسیت حاکمیت نسبت به این حق را دوچندان کرده است. اما نباید فراموش کرد که تاریخ حقوق اساسی ایران، از مشروطه تا امروز، مملو از نوسان در برخورد با حق اعتراض بوده است. گاهی این حق به‌عنوان رکن مشارکت سیاسی و ابراز اراده عمومی به رسمیت شناخته شده و گاهی دیگر، در سایه ترس از تضعیف اقتدار سیاسی یا تهدیدهای خارجی، با محدودیت‌های شدید مواجه شده است. این نوسان، خود نشان‌دهنده فقدان یک چارچوب حقوقی پایدار و اجرایی برای اعمال این حق است. در این میان، طرح‌های جدید مجلس برای ساماندهی تجمعات و اعتراضات، می‌توانند هم فرصت باشند و هم تهدید. فرصت از آن جهت که می‌توانند با شفاف‌سازی ضوابط، مسیر اعتراض مسالمت‌آمیز را هموار کنند و تهدید از آن‌رو که اگر با نگاه امنیت‌محور افراطی تدوین شوند عملاً به ابزاری برای تحدید بیشتر اصل ۲۷ تبدیل خواهند شد. معیار سنجش چنین طرح‌هایی، میزان وفاداری آنها به «روح قانون اساسی» است، نه صرفاً ظاهر قانونی‌شان. نکته کلیدی در این میان، تعیین دقیق ضمانت‌های اجرایی است. حق اعتراض، بدون سازوکار حمایتی مؤثر، به حقی تشریفاتی و بی‌اثر تبدیل می‌شود. اگر شهروندی به دلیل استفاده مسالمت‌آمیز از این حق با برخورد غیرقانونی مواجه شد باید مسیر روشن و قابل اتکالی برای احقاق حق خود داشته باشد. نظام حقوقی موظف است نه‌تنها شهروندان بلکه مقامات ناقض حقوق اساسی را نیز پاسخگو کند. بدون چنین ضمانت‌هایی، هر قانونی در این حوزه صرفاً روی کاغذ باقی خواهد ماند. از سوی دیگر، نظارت و پایش اجرای این حق باید به نهادهای مستقل سپرده شود. تجربه نشان داده که اعمال سلیقه شخصی یا تفسیرهای موسع امنیتی، بزرگترین آفت حقوق شهروندی است. نظارت مستقل می‌تواند هم از سوءاستفاده معترضان جلوگیری کند و هم مانع نقض حقوق آنان توسط قدرت عمومی شود. این نظارت، به‌ویژه در شرایطی که تهدیدهای واقعی علیه همبستگی ملی وجود دارد، اهمیتی دوچندان می‌یابد. بسا این حال، تأکید بر حقوق شهروندی نباید ما را از یک حق بنیادین‌تر غافل کند: حق «شهروندی ایرانی» و حفظ تمامیت ارضی و همبستگی ملی. ایرانیت، ظرفی است که همه حقوق در آن معنا پیدا می‌کند. اما این واقعیت نیز نباید بهانه‌ای برای نقض آزادی‌های مشروع باشد. همان‌گونه که قانون اساسی تصریح کرده، هیچ محدودیتی نمی‌تواند به‌طور غیرموجه حقوق و آزادی‌های اساسی را نقض کند. در نهایت، مسئله اصلی نه در تصویب قانون بلکه در شیوه اجراست. هر حقی، تکلیفی متقابل برای حکمرانی ایجاد می‌کند. اگر قرار است حق اعتراض به رسمیت شناخته شود، دولت و حاکمیت باید شرایطی فراهم کنند که شهروندان بدون ترس، بدون تبعیض و بدون نگاه‌های گزینشی، بتوانند صدای خود را به‌طور مسالمت‌آمیز بیان کنند. تنها در این صورت است که حق اعتراض می‌تواند به ابزاری برای تقویت اعتماد عمومی، ترمیم رابطه دولت و جامعه مدنی و در نهایت، افزایش انسجام ملی تبدیل شود؛ نه تهدیدی علیه آن.

بیمارای برف...

در روزهایی که بیش از هر زمان دیگری به خبرهای دلگرم‌کننده و حال خوب محتاجیم
ایران عزیزمان یکپارچه سفیدپوش شد

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



ایران در میانه یکی از غریب‌ترین زمستان‌های تاریخ معاصر ایستاده است. وقتی از پنجره‌های غبارگرفته تحریریه به بیرون می‌نگریم، دانه‌های برف با صبوری عجیبی بر شانه‌های شهر می‌نشینند؛ گویی طبیعت مأموریت دارد تمام سیاهی‌های هفته‌های گذشته را زیر عبای سپید خود پنهان کند. اما این برف، نه آن «برف نو»ی احمد شاملوست که نوید پاکی می‌داد و نه آنقدر بی‌تفاوت است که بتوان نادیده‌اش گرفت. این برف، استعاره‌ای است از یک «بُهِت جمعی»؛ انجمادی که پس از التهابات غم‌بار دی‌ماه، نه در خیابان، که در رگ‌های روح ملی رخنه کرده است. هوشناسی برای ۲۵ استان هشدار نارنجی صادر کرده و جاده‌ها یکی پس از دیگری زیر سنگینی کولاک مسدود می‌شوند. اما برای شهروندانی که هنوز در گیجی حوادث اخیر دست‌وپا می‌زنند، سنگین‌ترین یخبندان، نه در گردنه‌های «اسدآباد» و «کندوان» بلکه در سکوت خانه‌ها رخ داده است. مردم درحالی به تماشای سپیدی نشسته‌اند که «بُهِت»، صفت غالب چشم‌هایشان شده است. اعتراضات دی‌ماه، که از قلب تپنده بازارهای تهران و مشهد و کرج و اصفهان آغاز شد، حالا به مرحله‌ای رسیده که جامعه در حال «هضم تروما» است. اگر اخوان ثالث امروز در میان ما بود، احتمالاً دوباره می‌سرود: «سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت / هوا دلگیر، درها بسته، سرها در گریبان...». این «سر در گریبان بودن» دیگر تنها از سر سرمای استخوان‌سوز نیست؛ بلکه نشانه‌ای از یک خستگی تاریخی است. خیابان‌هایی که تا چندی پیش صحنه فریاد بودند، اکنون زیر حجم سنگین برف، چنان ساکت هستند که گویی هرگز صدایی از آنها برنخاسته است. اما آیا این سکوت، نشانه آرامش است یا انجماد؟

| ادامه در صفحه ۶



گفتار سیاسی

ترامپ، ایران را نمی‌شناسد

مرعشی: مشکلات داخلی، مجوزی برای دخالت خارجی نیست

گروه سیاسی: دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در واکنش به توهین اخیر ترامپ به رهبر انقلاب می‌گوید که ترامپ هیچ شناختی از ملت ایران ندارد. او معتقد است که مشکلات و انتقادهای داخلی،



مجوزی برای دخالت خارجی‌ها و زیر سوال بردن استقلال کشور نیست و باید با گفت‌وگوی ملی مسائل را حل کرد.

سیدحسین مرعشی، روز گذشته در گفت‌وگو با مهر درباره تهدید رهبر انقلاب از سوی ترامپ گفت: باید توجه داشته باشیم که ترامپ بارها در قبال ایران و ایرانی‌ها دچار خطاهای بزرگ شده است و با یک حمله غیرقانونی و غیرموجه، که اقدامی تخریب‌کننده بود، تأسیسات اتمی ما را بمباران کرد. این درحالی است که کشور ما همواره مقررات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را رعایت کرده و فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خود را تحت نظارت آژانس انجام داده است. او همچنین بارها به‌صورت آشکار در امور داخلی ایران دخالت کرده و اخیراً نیز نسبت به رهبر معظم انقلاب، که بالاترین مقام کشور ما هستند، جسارت و توهین داشته است.

وی افزود: آقای ترامپ هیچ شناختی از ملت ایران ندارد. ملت ایران به مرحله‌ای از رشدیافتگی رسیده است که اجازه نمی‌دهد، کسی در امور داخلی‌اش دخالت کند. استقلال ایران یکی از سرمایه‌های بزرگ امروز کشور ماست. ممکن است ما در داخل کشور رقابت‌هایی در عرصه سیاسی داشته باشیم، ممکن است نسبت به نهادهای حکومتی خود انتقادهایی وجود داشته باشد و بخشی از مردم دلخوری‌ها و نقدهایی داشته باشند، اما معنای این دلخوری‌ها و وجود برخی نارضایتی‌های درونی در ذیل نام کلی ملت ایران، هرگز جواز نیست که آقای ترامپ بتواند به استناد آن، به رهبر معظم انقلاب توهین کند، استقلال ایران را زیر سوال ببرد یا در امور داخلی کشور مداخله کند.

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران تصریح کرد: مردم ما باید متوجه این واقعیت باشند که هر کشوری در دنیا براساس منافع خودش موضع‌گیری می‌کند. هیچ‌گاه نباید موضع‌گیری مقامات سایر کشورها درباره ایران را اینگونه فرض کنیم که آنها دلسوز ملت ایران یا دلسوز کشور ایران هستند. آقای ترامپ نیز به‌دنبال منافع خود و منافع کشور خودش است. این مسئله را می‌توان در نحوه برخورد او با رئیس‌جمهور ونزوئلا دید که با چه جسارتی با او برخورد کرد. امروز مردم می‌توانند ببینند که او چگونه بر سر موضوع منطقه گر بلند با دانمارک و اتحادیه اروپا درگیر شده است. ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، صرفاً براساس منافع آمریکا عمل می‌کند و جامعه و ملت ما نباید نسبت به این نکته بی‌توجه باشند.

مرعشی تأکید کرد: ما براساس منافع ملی‌مان باید در درون مرزهای خود و تحت نام مقدس ملت ایران، مسائل‌مان را حل کنیم؛ چه با گفت‌وگو، چه با تعامل و حتی با فریاد زدن، اما در نهایت باید بتوانیم مشکلات خودمان را خودمان حل کنیم. مشکلات ایران، راه‌حل داخلی دارد و نباید براساس توهم حل بخشی از مشکلات، به این فکر بیفتیم که سکوت یا بی‌تفاوتی نسبت به استقلال ایران را در پیش بگیریم. استقلال ایران و سربلندی ملت ایران، با سربلندی مدیران کشور و رهبر کشور، از هم قابل تفکیک نیستند.

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران اظهار کرد: من امیدوارم پس از حوادث تلخ هفته‌های اخیر و بعد از اتفاقات غیرقابل قبولی که در کشور رخ داد، مقامات جمهوری اسلامی ایران، کشور را به سمتی هدایت کنند که دوباره به وحدت و انسجامی بازگردیم که پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل همچنین آمریکا علیه ایران شاهد آن بودیم. باید به همان فضا بازگردیم و شرایطی فراهم شود که گفت‌وگوهای ملی شکل بگیرد؛ گفت‌وگوهایی میان جناح‌های کاملاً حامی نظام و جناح‌های منتقد نظام تا مردم این امکان را داشته باشند که اعتراضات خود را بیان کنند؛ اعتراض به بی‌کفایتی مسئولان، اعتراض نسبت به مشکلات جاری کشور، اعتراض به کندی توسعه ایران و اعتراض نسبت به محدودیت‌هایی که برخلاف قانون اساسی بر مردم تحمیل شده است.

مرعشی در پایان گفت: فکر می‌کنم اکنون زمان آن رسیده است که در یک جمع‌بندی نهایی به یک منشور برسیم؛ منشوری که تضمین‌کننده حقوق ملت، استقلال ایران، عزت رهبری و حاکم شدن فضای نقد سازنده، گفت‌وگو و شنیده شدن دردهای مردم باشد و در نهایت شاهد اقدامات مؤثر برای حل مشکلات و کاهش فشارهای وارد بر مردم باشیم.

یک دروغ کثیف

بیانیه دفتر محمدجواد ظریف در واکنش به ادعای یک نماینده درباره بازداشت او و حسن روحانی

زایش یک دروغ؛ از «جدال» لندن تا تل‌آویو

جرقه اولیه این پرونده رسانه‌ای، از یک برنامه اینترنتی به‌نام «جدال» با اجرای علی علیزاده، چهره خارج‌نشینی که در سال‌های اخیر به‌واسطه مواضع تند و بعضاً ساختارشکنانه‌اش مورد توجه بخشی از تدرروهای داخلی قرار گرفته و به تریبونی برای آنان تبدیل شده، زده شد. در این برنامه، ابوالقاسم جراره، نماینده تهران در مجلس، در کنار میثم نادی از چهره‌های نزدیک به جبهه پایداری در اقدامی هماهنگ، ادعایی سنگین را مطرح کردند مبنی بر اینکه «حسن روحانی و محمدجواد ظریف به دلیل تماس با رضا پهلوی در جریان اعتراضات اخیر، توسط سپاه پاسداران بازداشت شده‌اند».

این ادعا، بدون ارائه هرگونه سند، منبع رسمی یا نشانه‌ای عینی، تنها بر پایه «شنیده‌ها» و «فضاسازی سیاسی» بیان شد. با این حال، ماهیت گوینده و بس‌تر رسانه‌ای انتشار باعث شد، موضوع به سرعت در شبکه‌های اجتماعی و برخی رسانه‌های همسو دست‌به‌دست شود. ادعایی که از همان ابتدا کاملاً به دور از واقعیت و از نظر استراتژیک مضحک



بود اما هدف سازندگان این دروغ هم، باورپذیر کردن آن برای خواص نبود بلکه هدف، کاشتن بذر تردید و تولید خوراک برای یک جنگ روانی گسترده‌تر بود. انتخاب یک نماینده مجلس برای طرح این ادعا هم به آن ظاهری «رسمی» و «موثق» می‌بخشید و این دقیقاً همان چیزی بود که طراحان این سناریو به آن نیاز داشتند. هنوز چند ساعتی از انتشار این ادعای کذب نگذشته بود که شبکه ۱۴ اسرائیل، یکی از تریبون‌های رسمی رژیم صهیونیستی، با آب و تاب فراوان، تماس‌های مکرر ظریف با رضا پهلوی در جریان اعتراضات اخیر، اطلاع روحانی از این تماس‌ها و در نهایت، بازداشت هر دو توسط سپاه پاسداران را به‌عنوان یک خبر قطعی منتشر کرد. بنابراین دروغی که در لندن توسط یک چهره مدعی اپوزیسیون و با همراهی تدرروهای داخلی متولد شده بود حالا در تل‌آویو به بلوغ رسیده و به‌عنوان ابزاری برای فشار و ایجاد شکاف داخلی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. روایتی که نه‌تنها فاقد هرگونه پشتوانه خبری معتبر بود بلکه از نظر منطقی و سیاسی نیز تناقض‌های آشکاری داشت. اما با این حال، همین روایت جعلی به سرعت در رسانه‌های معاند و شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور بازنشر شد؛ روایتی که دقیقاً با نیازهای تبلیغاتی و روانی رژیم اسرائیل و جریان‌های ضدایرانی یعنی القای شکاف در حاکمیت ایران، نمایش بی‌ثباتی سیاسی و القای فضای امنیتی حاد در داخل کشور، هم‌راستا بود.

هم‌صدایی با دشمن

این همان نقطه‌ای بود که به تعبیر بیانیه دفتر ظریف، کاسه صبر را لبریز کرد. گرچه پیش از این، کامبیز مهدی‌زاده، داماد روحانی، این ادعا را تکذیب و آن را «کاسبی بسا امنیت ملی» توصیف کرده بود که به فضای اعتماد در کشور لطمه می‌زند. همچنین، وب‌سایت «جماران» و یک منبع نزدیک به دفتر روحانی نیز این شایعات را «کذب محض» خوانده و هدف از انتشار آن را ایجاد التهاب در جامعه دانسته بودند. همان‌طور که خواندید، دفتر ظریف در بیانیه خود تصریح می‌کند که به دلیل «مضحک و بی‌پایه بودن» این ادعا ابتدا قصدی برای واکنش نداشته است اما دیگر نمی‌شد این «داستان‌سرایی شرم‌آور» را نادیده گرفت. چراکه سوءاستفاده رسانه رژیم اسرائیل در «این روزهای پر درد» به‌معنای ریختن بنزین بر آتش اختلافات داخلی و هم‌صدایی با دشمنی بود که آشکارا به‌دنبال «شق‌شقه کردن ایران عزیز» است. این هم‌صدایی، تصادفی نبود؛ بلکه نتیجه یک هم‌سویی استراتژیک میان کسانی بود که با هرگونه تنش‌زدایی و تعامل ایران با جهان مخالفند. در بیانیه دفتر ظریف، ادبیاتی کم‌سابقه به کار رفته است؛ از «ادعای سراسر دروغ» و «داستان‌سرایی شرم‌آور» تا «دروغ کثیف» و «بالای خطرناک». لحنی که نشان‌دهنده درک عمیق از پیامدهای امنیتی و سیاسی چنین ادعاهایی است.

پیامدها و بیدارباش سیاسی

آنچه در این ماجرا برجسته است فقط یک دروغ مشخص نیست بلکه الگویی است که گاه و بیگاه در فضای سیاسی ایران تکرار می‌شود. این الگو با طرح یک ادعای بی‌پایه توسط چهره‌ای سیاسی یا رسانه‌ای حاشیه‌ای آغاز سپس توسط برخی جریان‌های داخلی با انگیزه‌های جناحی بازنشر و برجسته‌سازی می‌شود. در مرحله بعد، رسانه‌های معاند و دشمنان ایران از آن بهره‌برداری می‌کنند و در نهایت، این چرخه، هزینه‌ای سیاسی و امنیتی را به کشور تحمیل می‌کند. دفتر ظریف هم به‌درستی به این چرخه اشاره می‌کند؛ چرخه‌ای که طی دهه‌های گذشته بارها تکرار شده و هر بار، بخشی از سرمایه اجتماعی و انسجام ملی را هدف گرفته است. اشاره مستقیم بیانیه به «همراهی برخی گروه‌های مدعی داخلی با مزدوران نشان‌دار در خارج از کشور» هشدار جدی نسبت به مرز باریک میان رقابت سیاسی داخلی و هم‌صدایی ناخواسته با پروژه‌های دشمن است. چراکه وقتی یک شهروند عادی شایعه‌ای را بازگو می‌کند، اثر آن محدود است؛ اما زمانی که یک نماینده مجلس شورای اسلامی، با تریبون رسمی و جایگاه حقوقی، ادعایی امنیتی را مطرح می‌کند، ماجرا ابعاد دیگری پیدا می‌کند. سخنان یک نماینده، خواناخواه به‌عنوان «نشانه‌ای از درون حاکمیت» تلقی می‌شود و همین امر، روایت‌سازی دشمن را تسهیل می‌کند. در این چارچوب، بیانیه دفتر ظریف را می‌توان دفاع از عقلانیت نهادی و مسئولیت‌پذیری سیاسی دانست؛ مطالبه‌ای برای پایان دادن به «حاشیه امن» کسانی که به تعبیر بیانیه با «انقلابی‌نمایی» و توسل به هر تهمت و افتزایی به منافع ملی آسیب زده‌اند. این بیانیه، فارغ از داوری‌های جناحی درباره کارنامه او و دولت‌های پیشین، یک «بیدارباش سیاسی» است؛ هشدار نسبت به خطر عادی‌سازی دروغ در فضای عمومی و هزینه‌هایی که این عادی‌سازی می‌تواند برای کشور به همراه داشته باشد.



عاطفه شمس

گروه سیاسی

در روزهای ملتهب فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور، یک داستان‌سرایی جنجالی، دوباره نشان داد که چگونه پیوند نامبارک سیاست جناحی، رسانه‌های حاشیه‌ای و روایت‌سازی دشمن، می‌تواند «دروغ» را به «خبر» سپس به «ابزار عملیات روانی» تبدیل کند. داستان «بازداشت حسن روحانی و محمدجواد ظریف و حبس خانگی آنان» که یک سیر آن در استودیوی در لندن، سر دیگرش در رسانه‌ای در تل‌آویو و جان‌مایه‌اش در تهران با هدف تخریب این دو چهره کلیدی دولت‌های یازدهم و دوازدهم شکل گرفت. ماجرا با یک گفت‌وگوی رسانه‌ای خارج از کشور شروع شد، با بازنشر آن از سوی یک نماینده مجلس ادامه یافت و در نهایت، پای رسانه رسمی اسرائیل را به میان کشید؛ تا جایی که دفتر محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه حسن روحانی،

رئیس‌جمهور اسبق، ناگزیر به صدور بیانیه‌ای تند و کم‌سابقه شد و این ادعای جنجالی را «دروغی سراسر مضحک و بی‌پایه» خواند و هشدار داد که همراهی برخی جریان‌های مدعی داخلی با مزدوران نشان‌دار خارج از کشور، بار دیگر زمینه روایت‌سازی جعلی علیه ایران و منافع ملی را فراهم کرده است. در این بیانیه آمده است: «متأسفانه بار دیگر ادعاهای خلاف واقع، برای پیشبرد منافع پست و بی‌ارزش جناحی، در کنار همراهی برخی گروه‌های مدعی داخلی با مزدوران نشان‌دار در خارج از کشور، منجر به طرح ادعایی

سراسر دروغ شده است؛ ادعایی چنان مضحک و بی‌پایه که ابتدا بنایی بر پاس‌سختی و تکذیب آن وجود نداشت. با این حال، سوءاستفاده رسانه‌ای رژیم صهیونیستی از این فضاسازی در روزهایی که ملت ایران داغدار و رنج‌دیده است، ما را ناگزیر ساخت تا این داستان‌سرایی شرم‌آور را به‌طور رسمی تکذیب کنیم. اینکه فردی شناخته‌شده به کذب‌گویی، که مورد توجه طیفی از تدرروهای گوناگون است، بتواند چنین دروغ بزرگی را به‌نام یک نماینده مجلس شورای اسلامی و یک چهره سیاسی مطرح کند و این ادعا برای چندمین بار مورد استقبال رسانه‌های وابسته به رژیم صهیونیستی قرار گیرد، بالای خطرناک است که کشور طی دهه‌های گذشته با آن دست به گریبان بوده است. مردم ایران به‌خوبی شاهد بوده‌اند که سال‌ها برخی افراد با ادعاهای فریبنده مشابه، عملاً در مسیر شیطنت‌ها و اهداف رژیم صهیونیستی حرکت کرده‌اند. این دروغ‌پردازی بار دیگر زمینه را برای روایت‌سازی جعلی جنایتکاری، چون نتانیاهو و دار و دسته‌اش (که به‌دنبال تضعیف و شقه‌شقه کردن ایران عزیز هستند) فراهم کرده است؛ نباتی که نشانه‌های آن در مقالات اخیر رسانه‌های تدرروی آمریکایی نیز آشکار شده است. شاید این هم‌زمانی ناخواسته، زنگ هشدار باشد برای پایان دادن به حاشیه امن کسانی که سال‌ها با پوشش انقلابی‌نمایی، به هر دروغ، تهمت و افترا متوسل شده و خسارت‌های جدی به منافع ملی و سرمایه اجتماعی ایران وارد کرده‌اند».

پارلمان

از وعده تا واقعیت

درباره طرح جدید مجلس برای برگزاری تجمعات

گروه سیاسی: در آخرین روزهای دی ماه، مجلس شورای اسلامی با تصویب سادای کلیدی از «طرح حمایت از برگزاری اجتماعات و راهپیمایی‌ها»، گامی دیر هنگام برای اجرای کردن اصل ۲۷ قانون اساسی برداشت؛ این اصل که «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد» را آزاد می‌داند، پس از چهار دهه همچنان در بن‌بست فقدان یک قانون اجرایی شفاف باقی مانده بود. این طرح که در بحبوحه یکی از شدیدترین ناآرامی‌های سال‌های اخیر، با قید فوریت بررسی شد، با هدف تفکیک صف معترضان از اغتشاشگران و فراهم آوردن بستری قانونی برای شنیده شدن صدای مردم به تصویب رسید. با این حال، بررسی دقیق‌تر جزئیات طرح و تحلیل‌های کارشناسان نشان می‌دهد که این مسیر با ابهامات و چالش‌های جدی روبه‌روست و نیز این پرسش اساسی را مطرح کرده که آیا این قانون به تحقق واقعی حق اعتراض می‌انجامد یا به ابزاری برای کنترل بیشتر تبدیل خواهد شد. آن‌طور که قاسم روانبخش، عضو هیأت رئیس‌ کمیسیون امور

داخلی کشور و شوراها در گفت‌وگو با ایسنا توضیح داده، شرایط اخیر و سوءاستفاده اغتشاش‌گران از تجمعات مردمی، مجلس را بر آن داشت تا با فوریت، طرحی که از ماه‌ها پیش در نوبت رسیدگی بود را در دستور کار قرار دهد. فلسفه اصلی این طرح، ایجاد یک سازوکار قانونی است تا ضمن به رسمیت شناختن حق اعتراض، از تبدیل آن به اغتشاش جلوگیری شود. بر این اساس، متقاضیان برگزاری تجمع باید به فرمانداری‌ها مراجعه کرده و پس از اعلام موضوع و زمان، از میان چند مکان مشخص که توسط فرمانداری پیشنهاد می‌شود، محلی را برای گردهمایی خود انتخاب کنند. تأکید شده است که این تجمعات باید مسالمت‌آمیز و بدون حمل سلاح باشند و پلیس نیز وظیفه تأمین امنیت را در اطراف محل تجمع برعهده خواهد داشت، نه دخالت در آن. با این حال و با وجود نیت اعلام شده، منتقدان نگرانی‌های جدی را نسبت به مفاد این طرح ابراز کرده‌اند. یکی از بحث‌برانگیزترین موارد، الزام به برگزاری تجمعات در «مکان‌های مشخص» و ممنوعیت آن در «مکان‌های حساس و امنیتی» است. این

نگرانی وجود دارد که عبارت «حساس و امنیتی» به ابزاری برای تفسیر سلیقه‌ای و ممنوعیت اعتراض در نقاط کلیدی و پر تردد شهرها تبدیل شود و عملاً اعتراضات را به مکان‌های دورافتاده و بی‌اثر «تعبید» کند؛ امری که فلسفه اصلی اعتراض، یعنی «دیده شدن و شنیده شدن» را نقض می‌کند.

علاوه بر این، تجربه و وعده‌های عمل نشده گذشته، سایه‌ای سنگین از تردید بر سر ضمانت اجرای این قانون انداخته است. پیش از این نیز مسئولان از تعیین مکان‌هایی مانند پارک‌ها و میادین برای تجمعات سخن گفته بودند اما این مصوبات یا هرگز به مرحله اجرا نرسیدند یا مانند مصوبه استانداری تهران در دیوان عدالت اداری با مانع روبه‌رو شدند. آنها معتقدند که بدون پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی توسط نهادهای مستقل و ضمانت اجرایی مشخص برای برخورد با نقض‌کنندگان قانون، چه از سوی معترضان و چه از سوی مجریان، این طرح نیز ممکن است به سرنوشت قوانین معطل مانده قبلی دچار شود.

پرچم آمریکا در گرینلند!

ترامپ با انتشار تصویر ساخته شده با هوش مصنوعی، پیام آمریکا را به اروپا مخابره کرد

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



تش لفظی میان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده و مقام‌های اروپایی بر سر مالکیت جزیره گرینلند وارد مرحله‌ای تازه و پراشتاب شده است. مرحله‌ای که دیگر صرفاً به اظهارنظرهای سیاسی محدود نیست و ابعاد رسانه‌ای، اقتصادی و حتی نظامی به خود گرفته است. ترامپ در تازه‌ترین اقدام، با انتشار تصویری ساخته شده توسط هوش مصنوعی در شبکه اجتماعی «ترت سوشال»، بار دیگر بر خواسته جنجالی خود پافشاری و گرینلند را بخشی از خاک آمریکا معرفی کرد. در این تصویر، ترامپ در کنار جی. دی. ونس معاون رئیس‌جمهور و مارکو روبیو وزیر امور خارجه آمریکا در حال نصب پرچم ایالات متحده در جزیره گرینلند دیده می‌شود؛ تصویری نمادین که پیام سیاسی روشنی را به اروپا مخابره کرد.

رئیس‌جمهور آمریکا طی هفته‌های اخیر بارها تأکید کرده که در اختیار گرفتن گرینلند برای حفظ و دفاع از امنیت ملی ایالات متحده «ضروری» است. او مدعی شده اگر واشنگتن اقدامی نکند، چین و روسیه این منطقه را تصاحب خواهند کرد

خاورمیانه

یک بام و دو هوای ترامپ

دیپلماسی، تردید و زمان خریدن، جایگزین تصمیم برای آغاز جنگ

گروه بین‌الملل: در شرایطی که ایران شاهد اعتراضات گسترده و قطع کامل اینترنت بود، روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی مفصل به بازخوانی یکی از پرتش‌ترین مقاطع روابط تهران و واشنگتن پرداخت؛ مقطعی که به گفته این رسانه، دو کشور را تا آستانه یک جنگ مستقیم پیش برد. براساس این گزارش، اگرچه دونالد ترامپ هنوز به‌طور رسمی دستور حمله نظامی به ایران را صادر نکرده بود اما عالی‌ترین مشاوران امنیت ملی او در کاخ سفید انتظار داشتند که رئیس‌جمهور به‌زودی یکی از گزینه‌های نظامی پیشنهادی را تأیید کند و به همین دلیل خود را برای شبی طولانی و سرنوشت‌ساز آماده کرده بودند.

در همان روزها، وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که ناوشکن موشک‌انداز هدایت‌شونده یواس‌اس روزولت وارد خلیج فارس شده است. به گفته منابع آگاه، به متحدان واشنگتن اطلاع داده شده بود که احتمال حمله آمریکا «محتمل» ارزیابی می‌شود و به همین دلیل، جابه‌جایی کشتی‌ها و هواپیماهای نظامی در منطقه آغاز شد. هم‌زمان به نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه هوایی العدید قطر توصیه شد برای جلوگیری از آسیب‌پذیری در برابر حمله تلافی‌جویانه احتمالی ایران، پایگاه را تخلیه کنند. این تحرکات، فضای منطقه را به‌شدت ملتهب کرد و بسیاری از ناظران را به این نتیجه رساند که حمله نظامی تنها مسئله زمان است.

فضا با پیام صبح سه‌شنبه ترامپ در شبکه‌های اجتماعی ملتهب‌تر شد؛ پیامی که در آن خطاب به معترضان ایرانی نوشت «کمک در راه است» و از آنان خواست «نهادهای حکومت را در دست بگیرند». بسیاری از مقامات آمریکایی و خارجی این پیام را نشانه‌ای آشکار از مداخله نظامی قریب‌الوقوع تعبیر کردند. با این حال، ترامپ همچنان این احتمال را باز گذاشته بود که منظورش از «کمک»، نه حمله نظامی مستقیم بلکه افزایش فشار سیاسی و اقتصادی برای وادار کردن ایران به توقف سرکوب معترضان باشد. نقطه عطف این روند، روز چهارشنبه فرا رسید. به گفته یک مقام ارشد آمریکایی، ترامپ از طریق فرستاده ویژه خود، استیو ویتکاف، پیامی دریافت کرد که حاکی از لغو اعدام‌های برنامه‌ریزی شده حدود ۸۰۰ نفر در ایران بود که آمریکایی‌ها مدعی آن شده بودند. اندکی بعد، نهادهای اطلاعاتی آمریکا تأیید کردند که این اعدام‌ها انجام نشده است. ترامپ پس از دریافت این گزارش‌ها در دفتر بیضی به خبرنگاران گفت: «می‌نشینیم و می‌بینیم چه می‌شود». این موضع‌گیری، نشانه‌ای از توقف موقت روند حرکت به سوی جنگ تلقی شد.

به نوشته واشنگتن‌پست، گفت‌وگو با بیش از ۱۲ مقام کنونی و سابق آمریکا و خاورمیانه نشان می‌دهد این چرخش ناگهانی ترامپ بسیاری از مشاورانش را دچار نوعی «سرگیجه» کرد و در عین



آمریکای شمالی و اروپا قرار دارد و نقش کلیدی در کنترل حریم هوایی قطب شمال، سامانه‌های راداری و مسیرهای حمل‌ونقل ترانس‌آتلانتیک ایفا می‌کند.

علاوه بر این، دُوب بخش‌های قطب شمال مسیرهای دریایی جدیدی را پدید آورده که می‌توانند جایگزین مسیرهای سنتی تجارت جهانی شوند و توجه قدرت‌های بزرگ را بیش از پیش به این منطقه جلب کنند. در کنار همه این عوامل، برآوردها از وجود منابع غنی معدنی، عناصر نادر خاکی و ذخایر بالقوه هیدروکربنی در گرینلند، این جزیره را به نقطه‌ای کلیدی در رقابت اقتصادی و راهبردی قدرت‌های جهانی تبدیل کرده است؛ رقابتی که اکنون با اظهارات و اقدامات جنجالی ترامپ، وارد مرحله‌ای پرتنش و غیرقابل پیش‌بینی شده است.

دیپلماسی

پاسخ به یک اتهام

بیانیه وزارت خارجه در واکنش به اقدام آرژانتین

چندی پیش خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین، نیروی قدس، شاخه برون‌مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد. براساس ادعای رسمی دفتر ریاست‌جمهوری آرژانتین، نیروی قدس نهادی است که به‌طور تخصصی در «آموزش و اجرای عملیات‌های تروریستی در کشورهای دیگر» فعالیت می‌کند. در این بیانیه همچنین تأکید شده است که آرژانتین این نیرو را مسئول حملات تروریستی دهه ۱۹۹۰ در بوئنوس‌آیرس علیه سفارت اسرائیل و مرکز یهودیان «آمیا» می‌داند.

در پی این اقدام آرژانتین، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بیانیه‌ای صادر کرد و نوشت: تصمیم خلاف عرف و حقوق بین‌الملل دولت آرژانتین که تحت‌تأثیر القانات و فشارهای رژیم نسل‌کش و اشغالگر صهیونیستی اتخاذ شده است، نه تنها به روابط دوجانبه آرژانتین و ایران آسیب جدی می‌زند بلکه سوابقه خطرناکی در روابط بین‌الدولی ایجاد می‌کند که مسئولیت پیامدهای حقوقی و سیاسی آن برعهده دولت آرژانتین خواهد بود. اصرار ادامه‌دار برخی محافل وابسته به رژیم صهیونیستی در آرژانتین بر اتهام‌زنی به ایران در رابطه با حادثه مشکوک انفجار مرکز یهودیان آرژانتین (آمیا) در سال ۱۹۹۴ همراه با افشای نمونه‌های واضح فساد و اعمال نفوذ در پرونده قضایی و حتی ترور قضات مربوطه طی ۳ دهه اخیر که منجر به بی‌نتیجه ماندن رسیدگی‌ها و طرح سوال‌های بی‌شمار درباره عملان و آمران واقعی آن حادثه شده است، نشان‌دهنده وجود اراده‌ای سیاسی امنیتی در آرژانتین برای انحراف و لاپوشانی واقعیت در این پرونده و جلوگیری از آشکار شدن حقیقت ماجرا به بهای زیر سوال رفتن استقلال و کفایت دستگاه قضایی آرژانتین دارد. سپاه پرافتخار انقلاب اسلامی ایران، نهادهی حاکمیتی و برآمده از متن ملت ایران است که مشروعیت خود را از قانون اساسی و اراده مردم ایران گرفته و در کنار دیگر نیروهای مسلح وظیفه پاسداری از استقلال، تمامیت ارضی و امنیت ملی کشور را با اقتدار و عزت ایفا خواهد کرد. کارزار سخیف آمریکا و رژیم نسل‌کش صهیونیستی در وادار کردن کشورها به برجسب‌زنی علیه نیروهای مسلح ایران هیچ تأثیری بر عزم پاسداران وطن برای دفاع از کیان ایران و حراست از امنیت ملی کشور نخواهد داشت.



با این حال به نظر می‌رسد، برخی پایتخت‌های اروپایی هنوز به تغییر رویکرد کاخ سفید امیدوارند. گرینلند تا سال ۱۹۵۳ مستعمره دانمارک بود و اگرچه در سال ۲۰۰۹ به خودمختاری دست یافت اما همچنان بخشی از پادشاهی دانمارک محسوب می‌شود و سیاست خارجی و دفاعی آن تحت چارچوب کپنهاگ قرار دارد.

اهمیت گرینلند صرفاً به جنجال‌های سیاسی اخیر محدود نمی‌شود. این جزیره که بخشی از منطقه قطبی شمال است در دوران جنگ سرد به دلیل موقعیت راهبردی خود در رقابت نظامی آمریکا و شوروی اهمیت داشت اما در سال‌های اخیر با دُوب شدن یخ‌ها بر اثر گرمایش جهانی، ارزش ژئوپلیتیکی آن چند برابر شده است. گرینلند بر کوتاه‌ترین مسیرهای هوایی و دریایی میان



به ایران، عملیاتی «آشفته، پرهزینه و غیر قابل کنترل» خواهد بود؛ عملیاتی که می‌توانست به جنگی گسترده‌تر، تلاطم اقتصادی جهانی و تهدید مستقیم جان حدود ۳۰ هزار نیروی آمریکایی در منطقه منجر شود. این سناریو با عملیات‌های محدود و سریع گذشته که ترامپ به آنها علاقه داشت، تفاوتی بنیادین داشت. یکی از مقامات سابق گفت، رئیس‌جمهور به‌دنبال اقداماتی «یک‌ضرب و تمام» بود اما در مورد ایران چنین گزینه‌ای وجود نداشت. در جلسات تصمیم‌گیری، مدیر سیا، جان رانکلیف، ویدئوهایی از خشونت علیه معترضان ایرانی را به ترامپ نشان داد که از طریق منابع مخفی جمع‌آوری شده بود. با این حال برخی مشاوران کلیدی از جمله ویتکاف، رئیس دفتر کاخ سفید و وزیر خزانه‌داری، خواستار احتیاط بیشتر بودند و بر خطر ورود به چرخه اقدام و واکنش متقابل تأکید داشتند. در همین زمان ایران نیز با مشاهده جابه‌جایی دارایی‌های نظامی آمریکا از طریق کانال‌های دیپلماتیک، پیام‌هایی ارسال کرد که به گفته منابع در آرام‌تر شدن فضا مؤثر بود.

در نهایت، تصمیم ترامپ برای دست نگه داشتن، نتیجه محاسبه‌ای هزینه-فایده بود. به گفته یک منبع آگاه، رئیس‌جمهور به این نتیجه رسید که هیچ تضمینی وجود ندارد که حمله نظامی به تغییر رژیم در ایران منجر شود و پیامدهای منفی آن از هر فایده احتمالی بیشتر خواهد بود. هرچند واشنگتن پست تأکید می‌کند که گزینه نظامی همچنان روی میز باقی مانده و احتمال بازگشت آن در هفته‌های آینده وجود دارد اما فعلاً دیپلماسی، تردید و زمان خریدن، جایگزین تصمیم برای آغاز جنگ شده است.

حال، بخشی از مخالفان ایرانی را با احساس «رهاشدگی» مواجه کرد. این تغییر مسیر بازتاب فشارهای شدید داخلی و خارجی بود که هم‌زمان بر کاخ سفید وارد می‌شد. ترامپ به‌طور ناگهانی با دو واقعیت اساسی روبه‌رو شد: نخست، غیر قابل پیش‌بینی بودن پیامدهای بی‌ثبات‌سازی یک کشور بزرگ دیگر در خاورمیانه و دوم، محدودیت‌های عملی حتی برای توان نظامی ایالات متحده. پنتاگون که پیش‌تر به دستور ترامپ یک گروه ضربت ناو هواپیمابر را به دریای کارائیب اعزام کرده بود، نگران شد که توان آتش آمریکا در خاورمیانه، در صورت آغاز درگیری گسترده به سطح ایده‌آل نرسد؛ به‌ویژه در شرایطی که انتظار می‌رفت، ایران حمله تلافی‌جویانه‌ای بزرگ و چندلایه انجام دهد. این نگرانی‌ها در اسرائیل نیز وجود داشت. مقامات آمریکایی اذعان کردند که اسرائیل پس از جنگ ۱۲ روزه ژوئن، بخش قابل‌توجهی از موشک‌های رهگیر خود را مصرف کرده و بدون پشتیبانی گسترده نیروی دریایی آمریکا برای مقابله با موج جدید حملات ایران آمادگی کامل نداشت. در همین حال، متحدان عرب واشنگتن، از جمله عربستان سعودی، قطر، امارات، عمان و مصر، تلاش‌های دیپلماتیک فشرده‌ای را آغاز کردند. این کشورها اگرچه ایران را تهدیدی راهبردی می‌دانند اما به گفته دیپلمات‌های منطقه، بیش از هر چیز نگران بی‌ثباتی فراگیر، اختلال در بازار انرژی و پیامدهای اقتصادی و امنیتی یک جنگ جدید بودند. پیام مشترک آنها به واشنگتن روشن بود: پرهیز از اقدام نظامی و حفظ مسیر دیپلماسی. به باور مقامات آمریکایی، عامل کلیدی در عقب‌نشینی ترامپ این بود که او به این جمع‌بندی رسید که حمله

رموز روباتیک

نگاهی به زنجیره‌های جهان منسجم **آیزاک آسیموف**



آیزاک آسیموف (Isaac Asimov) یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان علمی-تخیلی و دانشمندان آمریکایی روسی قرن بیستم بود. او بیشتر به‌خاطر مجموعه‌ی «بنیاد» (Foundation) و «ربات‌ها» و (Robots) شناخته می‌شود، که تأثیر زیادی بر ژانر علمی تخیلی و مفاهیم هوش مصنوعی گذاشته‌اند. آسیموف قوانین سه‌گانه روباتیک را برای تنظیم رفتار روبات‌ها و هوش مصنوعی پیشنهاد داد، که الهام‌بخش بسیاری از پژوهش‌های علمی و داستان‌های علمی تخیلی بعدی شد. او توانست با ادغام علم و ادبیات به سبک ساده، مفاهیم علمی پیچیده را برای عموم مردم قابل فهم کند. علاوه بر داستان‌های علمی تخیلی، بیش از ۵۰۰ کتاب در زمینه‌های گوناگون ازجمله زیست‌شیمی، نجوم، تاریخ، و فیزیک نوشت.

پنج ارتباط کلیدی آسیموفی

آسیموف ابتدا داستان‌های ربات را نوشت و سپس با اضافه کردن چند حلقهٔ کلیدی (دانیل، قانون صفرم، ذهن خوانی، اسپیسرها و سرنوشت زمین) آنها را به حماسهٔ بزرگ بنیاد متصل کرد. نتیجه یک جهان واحد بسیار منسجم است که در آن تصمیمات گرفته‌شده توسط ربات‌ها در هزاره‌های اولیه، سرنوشت تمدن انسانی را تا ۲۰ هزار سال بعد تعیین می‌کند. این اتصال یکی از هوشمندانه‌ترین و جسورانه‌ترین کارهای تاریخ علمی-تخیلی محسوب می‌شود. آسیموف در طول دهه‌ها دو مجموعه بزرگ علمی-تخیلی خود یعنی «بنیاد» و «ربات» را به‌تدریج در یک جهان مشترک (Shared Universe) قرار داد. این اتصال نه‌تنها شامل ارجاعات کوچک نیست، بلکه مفاهیم، شخصیت‌ها و سرنوشت بشریت را به شکلی عمیق و اساسی به‌هم پیوند می‌دهد. در این گزارش پنج ارتباط مهم و تعیین‌کننده بین این دو سری بررسی شده است که نشان می‌دهد چگونه ایده‌های اولیهٔ داستان‌های ربات به پایه‌های اصلی حماسه بنیاد تبدیل شدند:

دمرزل: دانیل که ابتدا در رمان‌های پلیسی-علمی تخیلی ربات ظاهر می‌شود، بعدها با نام اِتو دمرزل در سری بنیاد نقش محوری دارد. او هزاران سال در پشت صحنهٔ تاریخ بشریت را هدایت می‌کند تا گونهٔ انسانی از نابودی نجات یابد. دمرزل / دانیل تقریباً تک‌چهره ثابت آسیموف در طول ۲۰ هزار سال داستان‌هایش است.

قوانین رباتیک: سه قانون معروف رباتیک در داستان‌های اولیه مطرح می‌شوند، اما در کتاب «ربات‌ها و امپراتوری» قانون صفرم توسط دانیل و گیسکارد ابداع می‌شود: «ربات نباید به بشریت آسیب برساند یا با بی‌عملی اجازه دهد بشریت آسیب ببیند.» این قانون به ربات‌ها اجازه می‌دهد منافع گونه انسانی را بر جان تک‌تک انسان‌ها مقدم بدانند و توجیه‌کنندهٔ بسیاری از تصمیمات سخت دمرزل در دوران بنیاد و امپراتوری گالاکتیک است.

ذهن‌خوانی: توانایی تأثیرگذاری بر ذهن انسان‌ها ابتدا در «ربات‌ها و امپراتوری» توسط دانیل و گیسکارد کشف می‌شود. دانیل این توانایی را طی هزاران سال توسعه می‌دهد و در سری «بنیاد» به تأسیس سیاره زنده گایا (Gaia) و سپس طرح گالاکسیا (Galaxia) - یک ذهن جمعی که کل کهکشان را در بر می‌گیرد- منجر می‌شود. این ایده یکی از پایان‌بندی‌های اصلی حماسه بنیاد است.

اسپیسرها و جهان‌های آن‌ها: اسپیسرها انسان‌های

پیشرفته زیستی هستند که در ۵۰ سیارهٔ اول استعماری زندگی می‌کنند (به‌ویژه آرورا و سولاریا). این سیارات و فرهنگ آن‌ها در بسیاری از رمان‌های ربات نقش کلیدی دارند. در کتاب‌های پایانی «بنیاد» (به‌خصوص «بنیاد و زمین») شخصیت‌های اصلی به جست‌وجوی زمین گمشده می‌روند و جهان‌های اسپیسرها را دوباره کشف می‌کنند؛ برخی متروکه، برخی دست‌نخورده و برخی کاملاً نابود شده‌اند. زمین رادیوکتیو و ماه: در رمان «ربات‌ها و امپراتوری» زمین به‌تدریج و به‌صورت عمدی به یک سیاره رادیوکتیو و غیرقابل سکونت تبدیل می‌شود. این اتفاق باعث پراکندگی نهایی انسان‌ها در کهکشان می‌شود. در کتاب‌های پایانی بنیاد (به‌ویژه «بنیاد و زمین») زمین رادیوکتیو دوباره کشف می‌شود و معلوم می‌شود که یک ربات (دانیل) در ماه، ماهوارهٔ زمین، یک جامعهٔ مخفی را هدایت می‌کرده است. این کشف نقطهٔ اوج اتصال دو سری است.

مبدع رباتیک

آیزاک آسیموف، در حدود سال ۱۹۲۰ در شهر پتروویچی روسیه به دنیا آمد. سه ساله بود که خانواده‌اش به ایالات متحده مهاجرت کردند. آیزاک به همراه پدرش و خواهرش در سال ۱۹۲۸ شهروندی ایالات متحده را گرفتند. در دههٔ ۱۹۵۰، آسیموف به‌خاطر داستان‌های علمی تخیلی متفکرانه‌ای که در کنار کارهای آکادمیک او وجود داشت، شهرت پیدا کرد. با کسب مدرک دکتری آسیموف در شیمی به تدریس و حتی تألیف یک کتاب درسی بیوشیمی به‌نام بیوشیمی و متابولیسم انسانی پرداخت و در عین حال به حرفهٔ داستان‌نویسی خود ادامه داد. در سال ۱۹۵۱، او «بنیاد» را منتشر کرد که اولین مورد از مجموعه‌ای دربارهٔ سقوط امپراتوری کهکشانی به شیوه‌ای مشابه روم بود. در مارس ۱۹۵۱، آسیموف با «والتر برادبری» و ویراستار انتشارات دابلدی آشنا شد و به پیشنهاد او از نام مستعار در مقالاتش استفاده کرد ولی کمتر کتابی با این نام منتشر شد. آسیموف با الهام از کورنل وولریج، که نام ویلیام آیریش را برگزید، از ملیت فرانسوی او استفاده کرد و به «پل فرنچ / Paul French») تبدیل شد و با این نام مستعار شش کتاب در مجموعهٔ «دیوید استار، تِکاور فضایی» نوشت که بین سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۸ منتشر شدند. با این حال، بعدها هویت واقعی او افشا شد و او دیگر از این نام مستعار استفاده نکرد.

نویسنده‌ای اهل چک به‌نام کارل چاپک، واژهٔ «ربات» را اولین‌بار در نمایش‌نامهٔ خود در سال ۱۹۲۱ به مخاطبان معرفی کرد. این کلمه که از واژه‌ای متعلق به زبان‌های اسلاوی به معنی «برده» مشتق شده بود، ماشین‌های انسان‌نمایی را توصیف می‌کرد که در خط موتناژ کارخانه‌ها کار می‌کردند. اما در سال ۱۹۴۱ آسیموف با داستان کوتاه خود به‌نام «دروغگو»، به اولین شخصی تبدیل شد که از کلمهٔ «رباتیک» استفاده می‌کرد؛ کلمه‌ای که به تکنولوژی‌های به کار رفته در ربات‌ها اشاره دارد. یک سال بعد، او داستان کوتاه دیگری را با نام «حیله» نوشت و در آن، «قوانین سه‌گانه رباتیک» را برای مخاطبین تشریح کرد. طبق این قوانین، یک ربات نمی‌تواند به انسان‌ها صدمه بزند، باید مطیع آن‌ها باشد، و همچنین باید از خودش مراقبت کند البته تا زمانی که این کار، با دو قانون قبلی در تضاد نباشد.

نواهای کاغذی

تازه‌های کتاب موسیقی از **علینقی وزیری** تا **فرامرز پایور**

کتاب‌های «دستور آواز علینقی وزیری»، «زندگی و آثار حسینقلی طاطائی»، «تتهایی» پژمان طاهری و «پژواک» قطعاتی از استاد فرامرز پایور منتشر شدند.

کتاب «دستور آواز علینقی وزیری» پدر موسیقی نوین ایران و معروف به گُنلُل وزیری با بازنویسی سپنتا حامدی‌نژاد شامل ۶۴ صفحه است. علینقی وزیری در جریان کنفرانس سوم «در عالم موسیقی و صنعت» دربارهٔ «دستور آواز» بیان کرده است: «منظور اصلی از آواز نه این است که عیناً تقلیدسازی را بنمایند و همان‌طور پنجه‌های تندی که در فلوت یا نی یا ویلن می‌توان نواخت، آوازخوان هم بخواند؛ چون هرگز صوت نه آن‌قدر وسیع است نه آن‌قدر چابک که از عهده برآید. منظور از صوت ایجاد یک ساز جدیدی است که از همه سازها سبقت بگیرد؛ یعنی سازی که تلفظ و کلام هم از بین آهنگ‌های آن شنیده شود. سازی که موسیقی و شعر را باهم به مستمع برساند.»

علینقی وزیری پدر موسیقی نوین ایران (۱۷ مهر ۱۲۶۵ - ۱۸ شهریور ۱۳۵۸) معروف به کلنل وزیری، از موسیقی‌دانان برجسته و از پیش‌گامان آهنگ‌سازی برای اجرای ارکستر موسیقی ایرانی بود، او که به سبب سال‌ها خدمت در ارتش و رسیدن به درجهٔ سرهنگی یا همان کلنلی، به کلنل وزیری مشهور شده بود، عاشق موسیقی بود و سرانجام بین نظامی‌گری و کار موسیقی، دومی را برگزید. علینقی خان وزیری خدمات‌های مهمی به موسیقی ایران کرده است؛

از جمله اینکه ثَنوِیسی را در سنت موسیقی شفاهی و سینه به سینه ایرانی رواج داد. او هم‌چنین با تأسیس مدرسهٔ عالی موسیقی و بعدها عهده‌داری مدیریت مدرسهٔ موسیقی دولتی (مدرسهٔ موزیک نظام)، کوشید نوازندگان و موسیقی‌دانان ایرانی را با مبانی نظری موسیقی، اصول آهنگ‌سازی و

گزارش: **سینمای جهان**

درگذشت راجر آرز

همه فیلم‌هایی که او پس از «شیرشاه» ساخت

راجر آرز، هم‌کارگردان انیمیشن موفق دیزنی «شیرشاه»، در سن ۷۶ سالگی درگذشت. او علاوه بر «شیرشاه» محصول ۱۹۹۴، چندین اثر انیمیشنی دیگر را نیز کارگردانی کرده است.

راجر آرز از خود و همسر سابقش لُزلی هِکِنسون، دخترش لیا و پسرش ایدن را به‌جا گذاشت. باب ایگر، مدیرعامل شرکت والت دیزنی، در بیانیه‌ای در اینستاگرام به او ادای احترام کرد و نوشت: «راجر آرز یک نابغه خلاق بود که آثار و دستاوردهای فراوانش برای دیزنی، برای نسل‌ها ماندگار خواهد ماند».

او در ادامه افزود: «کارهای او به تعریف یک دوره کامل از انیمیشن کمک کرد؛ دوره‌ای که همچنان الهام‌بخش مخاطبان در سراسر جهان است و ما عمیقاً قدردان هر آنچه او به دیزنی بخشید، هستیم». راجر آرز، علاوه بر هم‌کارگردانی «شیرشاه» با راب مینکاف، در پروژه‌های انیمیشنی دیزنی مانند ترون، پری دریایی کوچولو، دیو و دلبر و علاءالدین نیز فعالیت داشت. خبر درگذشت او را دیو بوسرت، همکار آرز در دیزنی، در فیسبوک اعلام کرد و نوشت: «راجر هنرمندی فوق‌العاده و فیلمسازی برجسته بود؛ یکی از ستون‌های اصلی دوران طلایی انیمیشن دیزنی».

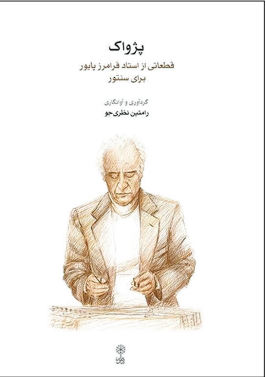
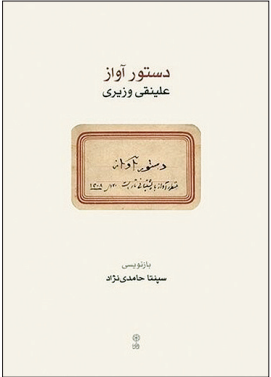
فیلم «شیرشاه» محصول سال ۱۹۹۴، یکی از بهترین انیمیشن‌های تاریخ دیزنی به‌شمار می‌رود. صدایندگان این فیلم عبارت بودند از: متیو برودریک، جرمی آیرونز، جیمز ارل جونز، مویرا کلی، ووبی گلدبرگ و روان آنکینسون. راجر آرز پس از فعالیت در بخش داستان‌پردازی چندین انیمیشن دیزنی، به‌عنوان هم‌کارگردان به پروژه «شیرشاه» پیوست. کارگردان اولیه فیلم، جورج اسکریبر، به‌دلیل اختلافات خلاقاته پروژه را ترک کرد و راب مینکاف جایگزین او شد. «شیرشاه» در اکران اولیه خود ۷۶۳ میلیون دلار فروش داشت و در آن زمان به دومین فیلم پرفروش تاریخ سینما تبدیل شد. با اکران‌های مجدد، فروش جهانی این اثر به ۹۷۹ میلیون دلار رسید (براساس آمار

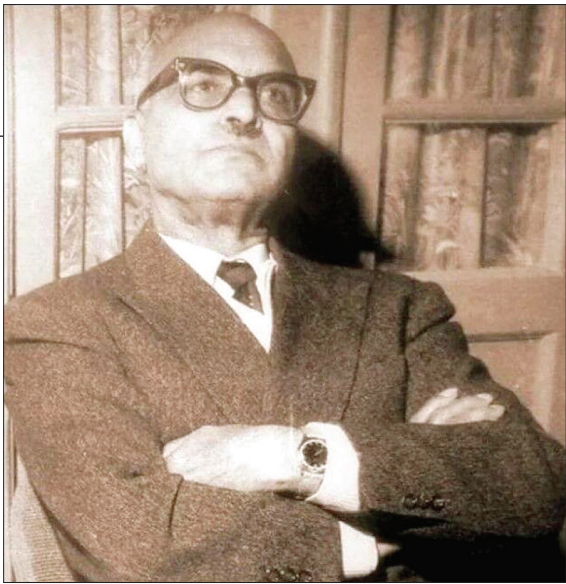
ارکستراسیون غربی آشنا کند. استادان روان‌شاد ابوالحسن خان صبا، روح‌الله خالقی، موسی معروفی و اسماعیل مهرنشاش از مهم‌ترین شاگردان علینقی خان وزیری بودند. وزیری در نوازندگی تار و آهنگسازی نیز بسیار چیره‌دست بود. «دخترک ژولیده»، «دو عاشق» و «سمفونی نفت» از معروف‌ترین آثار این موسیقیدان است.

کتاب «در عالم موسیقی و صنعت»؛ چهار کنفرانس به ضمیمه مقاله «صنایع ظرفه» اثر علینقی وزیری با بازنویسی، ویرایش، یادداشت‌ها و تحلیل شهرام آقایی‌پور نیز پیش از این در ۱۰۶ صفحه منتشر شده است. دربارهٔ این کتاب، به قلم آقایی‌پور آمده است: «علینقی وزیری پس از مراجعت از اروپا، در اسفند ۱۳۰۲ مدرسهٔ عالی موسیقی را افتتاح کرد. چون از بدو تأسیس مدرسه، ارکستر آن مورد استفاده عموم واقع نشده بود؛ وزیری تصمیم گرفت تا در تیرماه ۱۳۰۴ به مناسبت اختتام دورهٔ اول تحصیلات شاگردان مدرسهٔ عالی موسیقی؛ چهار کنسرت برای استفاده عموم ترتیب دهد.»

زنده‌یاد روح‌الله خالقی در کتاب «سرگذشت موسیقی» می‌نویسد: «وزیری چون دید با شئون‌دانان بیشتری سر و کار خواهد داشت؛ چهار خطابه تهیه کرد که هر یک از آن‌ها را در یکی از کنسرت‌ها به‌صورت کنفرانس؛ ضمن نغمات موسیقی ایراد کند؛ تا بدین‌وسیله بتواند در اطراف موسیقی که هرگز تا آن وقت در این زمینه مردم چیزی نشنیده بودند،

صحبتی کند.» او در این خطابه‌ها چارچوب فکری و چشم‌انداز اهداف آیندهٔ خود را به شکل خلاصه و منسجم به اهل فرهنگ آن زمان اعلان کرد. این خطابه‌ها نهایتاً در آبان ۱۳۰۴ به کوشش سعید نفیسی به چاپ رسید. کتاب «در عالم موسیقی و صنعت» علاوه بر بازنشر متن اصلی مضمّن شرح و تحلیلی بر آن خطابه‌هاست.





زندگی و آثار حسینقلی طاطانی

کتاب «زندگی و آثار حسینقلی طاطانی» به کوشش محمدرضا شریابی شامل ۱۸۴ صفحه است. طرح روی جلد برعهده سارا شیردل بوده است. در توضیح این کتاب به قلم شریابی آمده است: «حسینقلی طاطانی، نوازنده و یلن، در سال ۱۲۸۲ش در تهران دیده به جهان گشود. پدرش، ملقب به عطاءالملک، از خوانندگان بهنام اواخر عهد قاجار (دوره محمدعلی‌شاه و احمدشاه) بود که تار را نیز به خوبی می‌نواخت. از یازده سالگی آموختن موسیقی را نزد غلامرضاخان سالارمعزز (مین‌باشیان) در مدرسه دولتی موسیک آغاز کرد و نواختن ویلن را در مدرسه موسیک و ردیف موسیقی را نزد حسین‌خان اسماعیل‌زاده آموخت. طاطانی تا اواسط دهه ۱۳۴۰ به بیش از ۲۰ کشور جهان سفر کرد و در اغلب مسافرت‌ها به اجرای برنامه‌های مختلف هنری، برگزاری کنسرت و نوازندگی در رادیو و تلویزیون آن کشورها پرداخت. طاطانی در طول دوران فعالیت خود در کنار نوازندگی ویلن و سرپرستی ارکستر، به تعلیم شاگرد نیز مشغول بود. علاوه بر فعالیت‌های موسیقایی طاطانی، باید از نقش‌آفرینی او در فیلم‌های سینمایی نیز یاد کرد که ظاهراً نخستین حضور او در یک فیلم سینمایی به سال ۱۳۲۴ در کشور مصر بازمی‌گردد. حسینقلی طاطانی در ۲۴ تیرماه ۱۳۵۸ درگذشت.»

هفت قطعه برای سنتور و ارکستر

کتاب «آتهایی: هفت قطعه برای سنتور و ارکستر» با آهنگسازی و تنظیم برای ارکستر پڑمان طاهری شامل ۱۸۲ صفحه است و طراحی روی جلد آن برعهده سسارا شیردل بوده است. در توضیح این کتاب آمده است: «هفت قطعه منتشرشده در این کتاب، حداقل سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۴۰۲ ساخته شده است. قطعات آتهایی و کنسرتو برای سنتور در مجموعه امیرکبیر توسط گروه ایرانی و در اجرای سال ۱۳۸۹ این گروه در گرگان به صورت زنده اجرا، ضبط و منتشر شده است. مقدمه در دستگاه همایون نیز با اجرای گروه ایرانی و ضبط استودیویی در اثر سگوکاران

فیلم‌های کارگردانی‌شده توسط راجر آلرز

دخترک کبریت‌فروش - ۲۰۰۶

این فیلم کوتاه انیمیشنی ۸ دقیقه‌ای برای دیزنی ساخته شد و قرار بود بخشی از پروژه لغوشده «فانتازیا ۲۰۰۶» باشد. داستان فیلم اقتباسی ترازیک از قصه مشهور هانس کریستین اندرسن نویسنده دانمارکی (منتشرشده در سال ۱۸۴۵) است. این اثر در سال ۲۰۰۷ نامزد جایزه اسکار بهترین فیلم کوتاه انیمیشنی شد.

فصل شکار - ۲۰۰۶

راجر آلرز این فیلم ماجراجویانه-کمدی انیمیشنی را برای سونی، به‌همراه جیل کالتون کارگردانی کرد. داستان درباره یک خرس گریزلی اهلی به‌نام «بوگ» است که وارد جنگل شده و با یک گوزن به‌نام «البوت» همراه می‌شود تا پیش از آغاز فصل شکار، راهی برای بازگشت به خانه پیدا کنند. صدپیشگان فیلم شامل مارتین لارنس، اشتون کوچر، گری سینیاس و دبرا مسینگ بودند. این فیلم با وجود نقدهای متوسط، با بودجه ۸۵ میلیون دلاری، حدود ۲۰۱



خموش منتشر شده است. «دو قطعه موج و دشت سوخته که این دومی آخرین ساخته پڑمان طاهری است نیز در زمستان سال ۱۴۰۲ در وین و در دانشگاه موسیقی و هنرهای نمایشی وین و به صورت آنسامبل اجرا و ضبط شده است، که نسخه تصویری آن اجرا در یوتیوب موجود است. قطعه یاد در اجرای گروه ایرانی با عنوان آیین دگر در گرگان و همچنین پیش‌تر در اجرای همین گروه در تالار وحدت اجرا شده است. از قطعات منتشرشده در این کتاب قطعه دریا تاکنون اجرا نشده است.

پژواک فرامرز پایور

کتاب «پژواک: قطعاتی از استاد فرامرز پایور برای سنتور» با گردآوری و آوانگاری رامتین نظری‌جو شامل ۱۹۲ صفحه است. طرح روی جلد کتاب توسط عاطفه جرنده‌نی انجام شده است. در توضیح این کتاب آمده است: «دفتر پیش رو در ادامه کتاب‌های دردشت، قطعاتی از استاد فرامرز پایور برای سنتور، پرنیان: مجموعه قطعاتی از استاد فرامرز پایور برای سنتور است و به نوعی، جلد چهارم این مجموعه به شمار می‌آید. تمرکز اصلی در این کتاب بر روی مجموعه‌کاست‌های شخصی استاد پایور، موجود در آرشیو مؤسسه فرهنگی-هنری ماهور، بوده و تمامی قطعات نویافته این مجموعه -که عملاً جزو کم‌شنیده‌شده‌ترین قطعات استاد پایور تا به امروز قرار دارند- گردآوری و آوانگاری شده‌اند. همچنین برخی قطعات دیگر، موجود در سایر منابع شنیداری موجود از استاد پایور (اعم از آلبوم‌ها، برنامه‌های رادیویی و...)، که اجراهای مهمی از استاد پایور به شمار می‌آیند، در این مجموعه گرد هم آمده‌اند.» فرامرز پایور (زاده ۲۱ بهمن ۱۳۱۱ - درگذشته ۱۸ آذر ۱۳۸۸ در تهران) موسیقی‌دان، ردیف‌دان، آهنگساز، مدرس و نوازنده سنتور و محقق موسیقی ایرانی بود. او چهره ماندگار و یکی از تأثیرگذارترین‌های چهره‌های موسیقی ایرانی است. پایور پلی میان میراث ابوالحسن صبا و مرتضی محجوبی و جریانی بود که جوانان موسیقی‌دان و تحصیل‌کرده در دانشکده هنرهای زیبا از اوایل دهه ۱۳۵۰ بهره‌انداختند و الگوی موسیقی ایرانی امروزی شدند. در فاصله زمانی بین این دو، یعنی حدود ۱۵ سال، هیچ‌کس جز پایور، کار جدی و پیگیر در زمینه موسیقی اصیل انجام نمی‌داد. پایور در اجراهای گروهی خود با شماری از نخبگان موسیقی ایرانی مانند جلیل شهناز و هوشنگ ظریف (تار)، رحمت‌الله بدیعی و علی اصغر بهاری (کمانچه)، حسن ناهید و محمد موسوی (نی)، حسین تهرانی و محمد اسماعیلی (تنبک) همکاری کرده است. پایور در دهه ۱۳۶۰ به همراهی جلیل شهناز، علی اصغر بهاری، محمد اسماعیلی و محمد موسوی، برای بار دیگر «گروه اساتید موسیقی ایران» را سازمان داد و سرپرستی، آهنگ‌سازی و نوازندگی سنتور را در آن به عهده گرفت. این گروه، آثار ماندگاری با محمدرضا شجریان و شهرام ناظری اجرا کردند. پایور همچنین با خوانندگان دیگری از جمله عبدالوهاب شهیدی، محمود خوانساری، احمد ابراهیمی، نادر گلچین، حمیدرضا نوربخش و علیرضا افتخاری همکاری داشته است.

میلیون دلار فروش کرد و آغازگر یک مجموعه چندقسمتی شد. با این حال، آلرز در دنباله‌های بعدی حضور نداشت.

پیامبر؛ جبران خلیل جبران - ۲۰۱۴

این فیلم یک درام انیمیشنی اپیزودیک است که راجر آلرز سرپرستی گروه کارگردانان آن را برعهده داشت. فیلم براساس کتاب «پیامبر» نوشته جبران خلیل جبران ساخته شد و صدپیشگانی چون لیام نسون، سلما هایک، جان کرازینسکی، فرانک لانگلا، آلفرد مولینا و کووژانه والیس در آن حضور داشتند. این اثر برای جایزه اسکار بهترین انیمیشن بلند معرفی شد، اما به فهرست نامزدهای نهایی راه نیافت. «پیامبر» آخرین فیلم بلند کارگردانی‌شده توسط راجر آلرز بود.

دیگر فعالیت‌های راجر آلرز

راجر آلرز علاوه بر کارگردانی، به‌عنوان فیلمنامه‌نویس، انیماتور، طراح استوری‌برد و نمایشنامه‌نویس نیز فعالیت داشت. او اقتباس نمایش برادوی «شیرشاه» را نیز نوشت. علاقه او به انیمیشن پس از تماشای فیلم «پتِر پِن» از دیزنی شکل گرفت و آرزو داشت با والت دیزنی همکاری کند، اما والت دیزنی در سال ۱۹۶۶ درگذشت. آلرز فعالیت رسمی خود را در دیزنی از سال ۱۹۸۵ به‌عنوان طراح استوری‌برد فیلم «البور و شرکا» آغاز کرد و تا سال ۲۰۰۳ در نقش‌های مختلف در این استودیو حضور داشت. پس از جدایی از دیزنی، تنها در چند پروژه محدود فعالیت کرد.

برخی دیگر از آثار و نقش‌های راجر آلرز

انیمالی‌مپیکس (۱۹۸۰) / توسعه شخصیت - داستان - انیماتور، ترون (۱۹۸۲) / طراحی مفهومی پیش‌تولید، راک و رول (۱۹۸۳) / انیماتور، البور و شرکا (۱۹۸۸) / طراح استوری‌برد، پری دریایی کوچولو (۱۹۸۹) / طراح استوری‌برد، نجات‌دهندگان در سرزمین پایین‌دست (۱۹۹۰) / طراح استوری‌برد، شاهزاده و گدا (۱۹۹۰) / طراح استوری‌برد، دیو و دلبر (۱۹۹۱) / مدیر بخش داستان، علاءالدین (۱۹۹۲) / نویسنده داستان، لیلو و استیج (۲۰۰۲) / هنرمند کمکی داستان، بازگشت به ناکجاآباد (۲۰۰۲) / طراح استوری‌برد. راجر آلرز همچنین در انیمیشن‌های «موج‌سواری» (۲۰۰۷) و نسخه بازسازی‌شده «شیرشاه» (۲۰۱۹) با عنوان «قدردانی ویژه» مورد تقدیر قرار گرفت و در مستندهایی مانند «جعبه عرق»، «بیدار کردن زیبایی خفته» و «هاوارد» با‌عنوان خودش حضور داشت. یاد و نام این چهره تأثیرگذار تاریخ انیمیشن دیزنی گرامی باد.

دیدگاه: سینمای ایران

بحران مخاطب سینمای ایران جدی‌تر از همیشه است

گفت‌وگوی سازندگی با مهدی مددکار، تهیه‌کننده سینما



محصولات فرهنگی است، چراکه آثار در سطح و اندازه سلیقه هنری مردم هردوست ایران نیست. البته بحران اقتصادی هم روی دوش مردم سنگینی می‌کند و یک خانواده ۴ نفری برای تماشای یک فیلم سینمایی، باید چند میلیون تومان هزینه کند. مشکل دیگر شاید به بحث پخش آثار برمی‌گردد. ما در زمینه پخش آثار، هیچ برنامه مشخص و سبک ویژه‌ای نداریم. اکران یک فیلم، خودش یک پروژه تخصصی است که برنامه‌ریزی خاص خودش را هم می‌طلبد. با این وجود معتقدم که اکنون بیشتر از هر چیزی با معضل تولید فیلم‌های قابل‌قبول و فاخر مواجه هستیم.»

تأثیر حوادث اجتماعی روی سینما

مهدی مددکار در بخش دیگری از صحبت‌هایش با اشاره به حوادث اخیر گفت: «قطعاً این اتفاقات روی حضور مخاطبان در سالن سینما تأثیرگذار بوده است. وقتی یک صنف تعطیل می‌شود، وقتی بازار دچار تنش است، تأثیرات زیادی می‌گذارد.» این تهیه‌کننده که سال گذشته نیز با یک کارگردان جوان به جشنواره فجر رفته بود، امسال نیز با یک کارگردان فیلم‌اولی به جشنواره می‌رود. او در ارتباط با تأثیر مشکلات اقتصادی بر روی تولیدات سینمایی گفت: «تهیه‌کنندگانی که آثار مستقل و با هزینه شخصی تولید می‌کنند، با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. هر روز تعطیلی برای عواملی که روزانه دستمزد می‌گیرند، می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری داشته باشد.»

او در ارتباط با این موضوع که در حال حاضر یک فیلم سینمایی امروز! با حداقل چه هزینه‌ای تولید می‌شود افزود: «در حال حاضر حداقل سرمایه برای تولید فیلم بین ۴۰ تا ۵۰ میلیارد تومان است. ما فیلم اول را که بسیار کم‌هزینه بود با ۲۵ میلیارد تومان ساختیم.»

بنا به گفته مهدی مددکار، تهیه‌کننده فیلم «تقاطع نهایی»، این فیلمی درباره حقوق زنان است و اینکه فساد مدیران می‌تواند چه تأثیری روی زندگی افراد جامعه بگذارد. در این فیلم بازیگرانی چون رویا جاویدنیا، گیتی قاسمی، نازنین کیوانی، جواد قاسمی و سیلوش چراغی‌پور حضور دارند و قرار است فیلم در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآید.



سینمای ایران روزهای متفاوتی را سپری می‌کند. در حالی که سالن‌های سینمایی حالتی نیمه‌تعطیل به خود گرفته‌اند، آثار با شتاب برای نمایش در جشنواره فیلم فجر در حال آماده‌سازی هستند.

با این‌وجود حوادث و اتفاقات اخیر در ایران، روی سینما مانند هر صنعت دیگری تأثیر مستقیم گذاشته و به بحران مخاطب دامن زده است. دو روز قبل خبرگزاری ایسنا در گزارشی با اعلام اینکه سینماهای کشور در دی‌ماه امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته، نزدیک به ۱۰۰ میلیارد تومان کمتر بلیت فروخته‌اند، از یک چالش بزرگ اقتصادی پرده برداشت. براساس این گزارش، از ابتدای دی‌ماه امسال تا روز ۲۸ دی، فیلم‌های روی پرده یک میلیون و ۱۳۶ هزار نفر تماشاگر داشتند و ۸۶ میلیارد و ۴۰۹ میلیون تومان بلیت فروخته شده است.

در این گزارش همچنین آمده که در سال ۱۴۰۱ نیز به دلیل ناآرامی‌های موجود، استقبال مخاطبان از فیلم‌ها به‌طرز چشمگیری کاهش پیدا کرده بود. اما شاید یکی از دلایل عدم‌استقبال مخاطبان از فیلم‌های سینمایی نسبت به گذشته، این باشد که آنچه روی پرده هست با آنچه در جامعه می‌گذرد و دغدغه مردم است، کاملاً در تضاد می‌باشد.

بحران مخاطب در سینمای ایران

مهدی مددکار، تهیه‌کننده فیلم «شمال از جنوب‌غربی» که در جشنواره سال قبل در ۱۳ رشته، نامزد دریافت سیمرغ شده و جایزه سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول مرد و بهترین فیلمبرداری را هم گرفت، در گفت‌وگو با «سازندگی» اظهار کرد: «وقتی بازار دچار تنش باشد، قطعاً روی سینما هم تأثیرگذار خواهد بود.» مددکار در بخش ابتدایی صحبت‌هایش گفت: «در حال حاضر فیلمی را آماده داریم که یک کارگردان فیلم اولی آن را ساخته است به‌نام «تقاطع نهایی» که قرار است در جشنواره امسال اکران شود.»

این تهیه‌کننده که فیلم «شمال از جنوب‌غربی» را هم در نوبت اکران دارد، درباره کاهش ۱۰۰ میلیاردتومانی درآمد سینما گفت: «واقعیت این است که ما به‌طور کلی بحران مخاطب داریم. از طرفی این بحران مخاطب به‌خاطر نوع

آموزش

خسارت پنهان تعطیلی مدارس

ابهام در تصمیم آموزش و پرورش برای مجازی سازی آموزش در شرایط قطع اینترنت

در دو هفته اخیر، تصمیم وزارت آموزش و پرورش برای تعطیلی مدارس در استان تهران و برخی شهرهای کشور و برگزاری کلاس ها به صورت مجازی، موجی از انتقاد و ابهام را در میان خانواده ها، معلمان و کارشناسان آموزشی به دنبال داشته است. این تصمیم در شرایطی اتخاذ شد که همزمان با تشدید اعتراضات، اینترنت بین المللی نیز با اختلال یا قطع کامل مواجه بود؛ مسئله ای که عملاً امکان برگزاری آموزش مجازی مؤثر را از بسیاری از دانش آموزان سلب کرد.

در نخستین اطلاعیه ها، «آلودگی هوا» و «برودت هوا» به عنوان دلایل رسمی تعطیلی مدارس عنوان شد اما ادامه دار شدن تعطیلی ها، حتی در روزهایی که شاخص های آلودگی و دمای هوا وضعیت بحرانی نداشت، این توجیه ها را با تردید جدی روبه رو کرد. همزمانی تعطیلی مدارس با گسترش اعتراضات سراسری، این فرضیه را تقویت کرد که نگرانی از حضور و مشارکت دانش آموزان، به ویژه در مقطع دبیرستان، عامل اصلی این تصمیم بوده است؛ نگرانی ای که تجربه اعتراضات گسترده دانش آموزی در پاییز ۱۴۰۱ آن را تشدید کرده بود.

با این حال، آنچه در این تصمیم گیری کمتر مورد توجه قرار گرفت، پیامدهای آموزشی، روانی و اجتماعی تعطیلی مکرر مدارس است. قطع یا اختلال شدید اینترنت باعث شد، آموزش مجازی در عمل با بن بست مواجه شود. بسیاری از مدارس که به دلیل نبود زیرساخت یا طی نشدن فرآیند احراز هویت، کلاس های خود را خارج از سامانه «شاد» برگزار می کردند با قطع اینترنت عملاً امکان برگزاری کلاس را از دست دادند. به گفته بسیاری از والدین، در طول این دو هفته تعطیلی، کلاس های مجازی یا برگزار نشد یا به صورت کاملاً غیرتعاملی و ناکارآمد پیش رفت و دانش آموزان عملاً از آموزش محروم ماندند.

براساس اعلام وزارت آموزش و پرورش، در هفته گذشته در برخی شهرها، آموزش در مقاطع ابتدایی به صورت مجازی و در مقاطع دبیرستانی به صورت حضوری برگزار شده است؛ تصمیمی که خود نشان دهنده تناقض در سیاست گذاری آموزشی است. کارشناسان معتقدند اگر دغدغه اصلی، کنترل اعتراضات دانش آموزی بوده، می شد با تفکیک مقاطع تحصیلی، از تعطیلی کامل مدارس به ویژه مقطع ابتدایی جلوگیری کرد.

نرگس ملک زاده، کارشناس آموزش و پرورش در گفت و گو با رویداد ۲۴ تصمیم آموزش و پرورش را شتاب زده توصیف می کند و می گوید: «دست کم مدارس ابتدایی نباید برای مدت طولانی مجازی می شدند». به گفته او، اگر نگرانی ها معطوف به دبیرستانی ها بوده، آموزش و پرورش می توانست با برنامه ریزی تفکیکی، آموزش حضوری در مقطع دبستان را حفظ کند. ملک زاده با اشاره به نزدیک به ۱۰ روز آموزش مجازی در استان تهران تأکید می کند که کیفیت پایین آموزش های مجازی در دوره های گذشته، به ویژه در مقطع ابتدایی، کاملاً مشهود بوده و آثار منفی آن بر یادگیری، ارزشیابی و مهارت های پایه دانش آموزان انکارناپذیر است.

این کارشناس آموزشی هشدار می دهد که تداوم چنین تصمیم هایی می تواند، خسارت های جبران ناپذیری به پایه های تحصیلی وارد کند؛ خسارت هایی که نه تنها درافت تحصیلی بلکه در نابرابری آموزشی، افزایش شکاف طبقاتی و آسیب های روانی دانش آموزان نمود پیدا می کند. به ویژه دانش آموزان خانواده های کم بر خوردار که دسترسی مناسبی به ابزارهای آموزشی ندارند، بیش از دیگران از این وضعیت متضرر می شوند.

ملک زاده همچنین تأکید می کند که همه مدارس موظفند در سامانه «شاد» حساب کاربری فعال داشته باشند و نبود مدرسه در این بستر، به هر دلیلی، مصداق تخلف آموزشی است. به گفته او، اگر قرار است آموزش مجازی در شرایط بحرانی به عنوان راه حل جایگزین مطرح شود، حداقل باید زیرساخت آن به طور کامل و عادلانه فراهم باشد؛ در غیر این صورت، تعطیلی مدارس به معنای تعطیلی آموزش است، نه تغییر شیوه آن.

در مجموع، تجربه اخیر بار دیگر نشان داد که تصمیم های مقطعی و غیرشفاف در حوزه آموزش، بدون توجه به واقعیت های زیرساختی و پیامدهای بلندمدت، می تواند هزینه هایی به مراتب سنگین تر از آنچه تصور می شود بر آینده آموزشی کشور تحمیل کند.

پوشه های رنگین کمانی!

به دنبال طرح ادعای نرجس سلیمانی درباره تخلفات موسسه همشهری، مدیرعامل همشهری، همسر نرجس سلیمانی را عضو بیست و دوم شورای شهر تهران نامید!



گفت: «چرا چیزی به اقراریان نمی گوید که به من می گوید سخنگوی زاکانی؟» مهدی چمران نیز در تلاش برای کنترل جلسه از اعضا خواست به موضوع حساسی بازگردند.

واکاوی تخلفات ملکی و چشم پوشی از خسارات

نرجس سلیمانی در دور دوم سخنان خود با شدت بیشتری به مدیرعامل همشهری تاخت. او به تاریخ ۱۷ مهرماه ۱۴۰۳ اشاره کرد که طی آن، مدیریت همشهری از یک شکایت که مبلغ قابل توجهی خسارت به موسسه زده بود، چشم پوشی کرده است. سلیمانی پرسید: «چه گرفته بودید که از تخلفات غیرقابل گذشت و رسمی شده، گذشتید؟» او همچنین به موضوع فروش املاک اشاره کرد و گفت: «درحالی که در تاریخ ۳۰ آذرماه ۱۴۰۱ ابلاغ شده بود، اجازه فروش هیچ ملکی را ندارید اما سال بعد با اطلاع از این ممنوعیت، خواستید سه فقره ملک را با قولنامه دستی بفروشید».

سلیمانی خطاب به مهدیان گفت: «اینکه برای ناظر گردن کشی کنید، نشان دهنده ضعف شما و ضعف شخصیت شماست. شما به عنوان یک فرد رسانه ای مورد استفاده هستید اما به عنوان مدیرعامل همشهری، خیر». او در پایان اعلام کرد که موسسه همشهری نیازمند یک «حسابرسی ویژه» است و او ظرف سه هفته آینده، گزارش دقیق تخلفات را به شورا ارائه خواهد داد. در پایان این جلسه پرحاشیه، به رغم تمامی ابهامات مالی مطرح شده از سوی رئیس کمیسیون نظارت و درگیری های لفظی بی سابقه، گزارش حساسی موسسه همشهری با حداکثر آرا به تصویب رسید. با این حال، تداوم اتهامات پیرامون مدیریت املاک، پیش پرداخت های ارزی کاغذ به ویژه ادعای دخالت های خارج از شورا در امور حساسی، نشان داد که پرونده «رنگین کمان تخلفات» همشهری با این رأی بسته نخواهد شد. تصویب این گزارش درحالی صورت گرفت که سایه اتهام «تهیدیه های شبانه» و «گردن کشی در برابر ناظر» همچنان بر فضای ارتباطی میان شهرداری و شورای شهر سنگینی می کند.

گروه اجتماعی: صحن علنی شورای اسلامی شهر تهران دیروز سه شنبه شاهد یکی از پرالتهاپ ترین جلسات خود در دوره ششم بود. دستور جلسه، بررسی گزارش حساسی موسسه همشهری برای سال مالی ۱۴۰۳ بود اما آنچه در عمل رخ داد، فراتر از اعداد و ارقام حسابداری به یک درگیری لفظی تمام عیار و تبادل اتهامات سنگین میان مدیریت این موسسه رسانه ای و نهاد ناظر تبدیل شد. جلسه ای که در آن «پوشه های رنگین کمان» حاوی مدارک تخلفات، با ادعای «تهیدیه های شبانه همسر یکی از اعضای شورا» پاسخ داده شد.

آغاز ماجرا: کالبدشکافی ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه میهم

نرجس سلیمانی، رئیس کمیسیون حقوقی و نظارت شورا آغازگر این توفان بود. او با در دست داشتن پرونده هایی که آنها را «پوشه های رنگین کمان تخلفات همشهری» نامید، گزارش حساسی را به چالش کشید. سلیمانی با اشاره به بندهای ابهام آمیز مالی گفت: «در سال ۱۴۰۳ بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان تحت عنوان هزینه های پرداختی و سایر ذخایر شناسایی شده که هیچ گونه افزایشی درخصوص ماهیت آنها صورت نگرفته است. همچنین شرکت نزدیک به ۱۲ میلیارد تومان تخفیف بابت چاپ و فروش نشریات داده که مشخص نیست با چه مجوزی انجام شده است». سلیمانی در ادامه به هزینه کرد ۵ میلیارد تومانی برای «هدایا» و وجود کارت های هدیه غیرنقدی به ارزش بیش از ۲ میلیارد تومان اشاره کرد و ضرورت نگهداری چنین مبالغی را زیر سوال برد. وی همچنین از ضبط ضمانت نامه ۶.۵ میلیارد تومانی موسسه توسط بانک سامان به دلیل عدم رفع تعهدات ارزی خبر داد و هشدار داد که این مسئله مشکلات بزرگی برای شرکت ایجاد خواهد کرد. یکی دیگر از نقاط تاریک مورد اشاره او، فروش مواد اولیه با زیان ۵.۵ میلیارد تومانی بود که به گفته سلیمانی نسبت به سال قبل ۷ برابر رشد داشته است.

حقوق کارکنان و ماجرای کاغذهای ۲.۴ میلیون یورویی

بخش دیگری از انتقادات رئیس کمیسیون حقوقی شورا به حقوق پایه کارکنان و بازنشستگان اختصاص داشت. سلیمانی صراحتاً اعلام کرد: «وجه کسر شده از پرسنل به صندوق کارکنان واریز نشده و صرف پرداخت هزینه های جاری شده است». او همچنین به پیش پرداخت ۲ میلیون و ۴۸۰ هزار یورویی برای خرید ۳ هزار تن کاغذ روزنامه اشاره کرد که از سال های قبل راکد مانده و با وجود عدم تعیین تکلیف، مجدداً ۲۵ میلیارد تومان دیگر به همان شرکت بابت سفارشات خارجی پرداخت شده است. سلیمانی در پایان این بخش از سخنانش، مدیریت مهدیان را به «هدر دادن بیت المال» متهم کرد.

دفاع تهجمی مهدیان: از «سوددهی» تا اتهام به همسر نرجس سلیمانی

محسن مهدیان، مدیرعامل موسسه همشهری، در پاسخ به انتقادات مطرح شده، ابتدا به دفاع از عملکرد اقتصادی خود پرداخت. او مدعی شد که درآمد موسسه را از ۱۳۶ میلیارد تومان در ابتدای دوره به ۴۵۳ میلیارد تومان رسانده و موسسه

ادامه تیتیریک

ببار ای برف ...

چرا به «خبر خوب» محتاجیم؟

در چنین اتمسفر مه آلودی، «خبر خوب» دیگر یک تفنن یا ابزار تبلیغاتی نیست؛ بلکه حکمی حیاتی برای بقای روانی است. وقتی روح یک ملت در تلاقی سوگ و سرما گرفتار می شود، هر جرعه ای از موفقیت یا هر نشانه ای از حیات مانند اجاقی در میانه بوران عمل می کند. جامعه امروز ایران، بیش از هر چیز، به «معنا» و «امید» نیاز دارد تا یخ این بهت بزرگ را بشکند.

در این جغرافیای منجمد، فراتر از یک گزاره خبری ساده، تمنا می است برای دگرذیسی در جان مایه تدبیر. وقتی از احتیاج بمرم به خبر مسرت بخش سخن می گویم نباید آن را در پستوهای تنگ روایت های رسمی و تیتراهای فرمایشی جست. مقصود از این نیاز، نه یک اتفاق علمی منزوی و نه یک پیروزی ورزشی گذرا بلکه مطالبه ای عمیق برای یک «تغییر رویه بنیادین» و دگرذیسی در نگاه آنانی است که در

پی حوادث عجیب هفته های گذشته، سیستم را به «حالت بقا» کشانده اند. خبر خوب واقعی برای مردم بهت زده ای که به سوگ نشسته اند، تنها در صورتی معنا می یابد که نشانه ای از «تغییر مسیر قطعی» در فرآیندها و رویه ها پدیدار شود. حقیقت آن است که در تلاقی این یخبندان طبیعی و انجماد سیاسی، خبر خوب یعنی وزیدن نسیم پاسخگویی در راهروهای قدرت؛ یعنی آنکه مسئولان به جای پنهان شدن پشت دیوارهای سانسور، با «تغییر فضا» و اصلاح فرآیندهای مندرس، سهم خود را در این ویرانی جمعی بپذیرند.

در این روزهای برفی، ایران تشنه اتفاقی است که بگوید از این پس، «تغییر فرآیندها» به نفع آزادی و معیشت، اولویت نخست است. تغییری که اگر رخ ندهد، این برف تنها حکم آتش زیر خاکستر را خواهد داشت. مسئولان باید بپذیرند جامعه دیگر به وعده های تو خالی و یارانه های موقت، دل

خوش نمی کند و تنها یک «تغییر فرآیند واقعی» می تواند این زخم عمیق را التیام بخشد. برف همچنان می بارد. سازمان هواشناسی از تداوم سرما تا پایان هفته خبر می دهد. اما ما می دانیم که زمستان، هر چقدر هم که طولانی و گزنده باشد، در ذات خود آبستن بهار است. بهتی که امروز جامعه را در برگرفته، لایه ای است که باید از آن عبور کرد.

ایران امروز، ترکیبی است از اشک و لبخند، از برف و آتش. وظیفه ما به عنوان شاهدان این عصر، نه صرفاً روایت سیاهی بلکه یافتن همان رگه های سپیدی است که در دل این تاریکی می درخشند. برف می بارد، شهر ساکت است اما زیر این پوشش سرد، قلبی می تپد که منتظر آفتاب است. آفتابی که نه از آسمان بلکه از درون قلب مردمان ایران و اراده های بزرگ طلوع خواهد کرد. زمستان است؛ اما ما یاد گرفته ایم که چگونه در میانه سرما، شعله کوچک امیدمان را با دست های هم، گرم نگاه داریم.

گزارش ویژه

منابع انسانی؛ ستون اصلی پایداری
تولید نفت در مناطق نفت خیز جنوب

جلسه هم‌اندیشی مدیریت منابع انسانی شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب با حضور محمدرضا امیرفرد، مدیر توسعه منابع انسانی شرکت ملی نفت ایران، رامین حاتمی، مدیرعامل و مدیران و رؤسای ستادی مناطق نفت‌خیز جنوب و شرکت‌های بهره‌برداری تابعه برگزار شد.

رامین حاتمی در این نشست با تأکید بر جایگاه راهبردی مناطق نفت‌خیز جنوب به‌عنوان خاستگاه صنعت نفت، بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت کشور و تأمین‌کننده اصلی خوراک پتروشیمی‌ها، حفظ و نگهداشت تولید را امری خطیر و حیاتی دانست و تصریح کرد: تحقق این مهم بدون پشتیبانی مؤثر منابع انسانی امکان‌پذیر نیست و رشد و تعالی سازمان در گرو رشد و تعالی سرمایه انسانی است.

وی با اشاره به تنوع گسترده عناوین شغلی و انواع قراردادهای استخدامی در شرکت افزود: وجود کارکنانی با مدارک تحصیلی از زیر دیپلم تا فوق دکترا و چالش‌های موجود در سطوح مختلف از رده‌های کارگری تا مدیریت ارشد، ضرورت برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند برای پاسخگویی به نیازهای منابع انسانی را دوچندان می‌کند.

حاتمی همچنین موضوع حداقل و حداکثر حقوق و مزایا را از مهم‌ترین دغدغه‌های کارکنان برشمرد و خاطرنشان کرد که این مسائل از طریق پیگیری‌های مستمر در سطح شرکت ملی نفت ایران و وزارت نفت در حال بررسی و پیگیری است. وی افزود: دغدغه‌های کارکنان در بخش مسکن نیز با بهره‌گیری از ظرفیت مولدسازی و طراحی سازوکارهای مناسب می‌تواند، نقش مهمی در افزایش دلبستگی سازمانی و کاهش مشکلات معیشتی کارکنان ایفا کند.

در ادامه، محمدرضا امیرفرد با اشاره به فرسودگی تأسیسات و تأثیر آن بر نیروی انسانی، اهمیت ویژه مناطق نفت‌خیز جنوب در صنعت نفت را مورد تأکید قرار داد و اظهار کرد: بخش قابل توجهی از مشکلات موجود، از جمله سقف حقوق و مالیات بر درآمد، ماهیتی برون‌سازمانی دارد که از طریق رایزنی‌ها و تعاملات در سطوح مختلف در حال پیگیری و رفع است.

وی افزود: حضور میدانی در مناطق نفت‌خیز با هدف بررسی و حل مسائل درون‌سازمانی در دستورکار قرار دارد و باید توجه داشت که بار سال‌ها عدم سرمایه‌گذاری کافی در صنعت نفت، امروز بر دوش سازمان و نیروی انسانی آن سنگینی می‌کند.

حمید علمداری، مدیر منابع انسانی شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب نیز در این نشست با تأکید بر اهمیت تعامل مستمر و ارتباط مستقیم با کارکنان گفت: همراه با ارائه گزارش‌های دوره‌ای از آخرین وضعیت نیروهای انسانی، برنامه‌ریزی برای آموزش، توانمندسازی و ارتقای انگیزه کارکنان در دستورکار ما قرار دارد.

وی افزود: ایجاد محیط کاری حمایتگر، حل مسائل روزمره کارکنان و بهره‌گیری از تجربیات میدانی از اصلی‌ترین راهکارهای ما برای تقویت سرمایه انسانی و پایداری تولید در مناطق نفت‌خیز جنوب است.

در پایان این نشست، حاضرین بر لزوم هم‌افزایی، تعامل مستمر و اتخاذ راهکارهای عملی برای ارتقای وضعیت منابع انسانی و بهبود شرایط کاری کارکنان تأکید کردند.

در ادامه سفر محمدرضا امیرفرد و هیأت همراه، بازدیدی از تأسیسات عملیاتی شرکت‌های بهره‌برداری نفت و گاز کارون و آغاچاری انجام شد.

امیرفرد ضمن حضور در تأسیسات عملیاتی و ایستگاه تقویت فشار گاز رامشیر با مدیرعامل و مدیران شرکت آغاچاری دیدار و گفت‌وگو کرد. همچنین در شرکت کارون نیز از تأسیسات بهره‌برداری و نمک‌زدایی اهواز دو بازدید به عمل آورد.

این بازدیدها با حضور مدیر منابع انسانی مناطق نفت‌خیز جنوب و معاونان ذی‌ربط برگزار شد و در آن، مدیران عامل شرکت‌های بهره‌برداری کارون و آغاچاری به تشریح مسائل و چالش‌های حوزه منابع انسانی و کمبود نیروی انسانی پرداختند و راهکارهای بهبود شرایط کاری مورد بررسی قرار گرفت.

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی
شهرستان بروجرد-سری ۳۵۱ جمعی

شماره «۵۳۸» فرعی از «۳۷۴۸» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حمید بیرجندی فرزند ابوطالب»

۶ - تقاضای «سمیرا یاراحمدی» فرزند «غلامحسن» نسبت به «شش‌دانگ یک‌باب ساختمان خانه» بمساحت «۵۹/۰۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۳» فرعی از «۴۳۳۱» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حجت اله شمشه فرزند اله کرم»

۷ - تقاضای «علی کریمی» فرزند «فضل اله» نسبت به «شش‌دانگ یک‌باب ساختمان مغازه» بمساحت «۱۲۰/۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۹۵» فرعی از «۱۱» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی کریمی فرزند فضل اله»

۸ - تقاضای «رضا گودرزی» فرزند «حسن» نسبت به «سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه باغ» احمدگودرزی فرزند حسن نسبت به سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه باغ بمساحت «۱۵۳۹/۷۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۹» فرعی از «۳۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسن گودرزی فرزند ماشاله»

۹ - تقاضای «رضا گودرزی» فرزند «حسن» نسبت به «سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» احمد گودرزی فرزند حسن نسبت به سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت «۱۵۹۰/۱۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۰» فرعی از «۳۸» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسن گودرزی فرزند ماشاله»

۱۰ - تقاضای «علیرضا شریفی» فرزند «حمیدرضا» نسبت به «سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک‌باب ساختمان دکان» سعید شرکتی فرزند محمدحسین نسبت به سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک‌باب ساختمان دکان بمساحت «۱۴/۰۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۹» فرعی از «۳۱۲۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامرضا ملک و محمدرضا و رضا ثقلینی»

محمد آجرو

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد

شناسه آگهی ۲۰۸۲۶۳۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بروجرد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

۱ - تقاضای «سید حجت اله حبیبی» فرزند «مجتبی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۸۲۸/۵۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۶۴» فرعی از «۱۰۲» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد معظمی گودرزی»

۲ - تقاضای «وحید منصوری» فرزند «پاپی» نسبت به «شش‌دانگ یک‌باب ساختمان مسکونی» بمساحت «۳۲۰/۲۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۴۸» فرعی از «۳۶۴۰» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «یعقوب فرج اله نظیری فرزند حکیم الیاس-صغیرا عنایتی»

۳ - تقاضای «خسرو روستائی دره میانه» فرزند «احمد» نسبت به «شش‌دانگ یک‌باب ساختمان تجاری مسکونی» بمساحت «۵۱/۴۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۳۱» فرعی از «۳۷۴۸» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حجت اله علمدار فرزند عزت اله - و غیره»

۴ - تقاضای «یداله پویامنش» فرزند «احمد» نسبت به «شش‌دانگ یک‌باب ساختمان مسکونی» بمساحت «۲۳۲/۳۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۳» فرعی از «۳۲۱۹» اصلی واقع در بخش «۱» خروجی از مالکیت مالک اولیه «یداله پویامنش فرزند احمد»

۵ - تقاضای «محمدرضا نیک ضمیر» فرزند «محمدرحیم» نسبت به «شش‌دانگ یک‌باب ساختمان مسکونی» بمساحت «۹۴/۶۵» مترمربع مجزی شده از پلاک

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
شهرستان کوهدشت — سری (۳۸۸) جمعی

از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۱۷۰۷۱,۱۷) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۳۴) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (مرتضی مرادی) ۷. برابر تقاضای آقای/خانم (حسین تیموری)فرزند (نور کرم) نسبت به (۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۱۱۲۲,۶۶) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (۳۸) فرعی از (۲۸) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (کرم تیموری)

۸. برابر تقاضای آقای/خانم (گنجعلی گراوند)فرزند (امیدعلی) نسبت به (۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۱۵۶۲۰) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۲۲) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (رستم خان عباسی)

۹. برابر تقاضای آقای/خانم (گنجعلی گراوند)فرزند (امیدعلی) نسبت به (۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۱۳۴۶۸) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۲۲) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (رستم خان عباسی)

۱۰. سند رسمی

۱۱. برابر تقاضای آقای/خانم (گنجعلی گراوند)فرزند (امیدعلی) نسبت به (۶ دانگ از شش‌دانگ یک باب/قطعه مزروعی) به مساحت (۱۳۹۸۰) مترمربع مجزی شده از پلاک شماره (*) فرعی از (۲۲) اصلی واقع در بخش (هفت) حوزه ثبت ملک کوهدشت لرستان خروجی از مالکیت اولیه آقای/خانم (رستم خان عباسی)

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کوهدشت

فرشاد کورانی‌نیا

شناسه آگهی ۲۰۸۹۰۳۰

م الف ۳۸۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

